

میرزا محمد خان قزوینی

مجتبی مینوی

مه ۱۹۴۹ [۶ خرداد ۱۳۲۸] در هفتادو دو سالگی درگذشت. دوست پژوهشگر او سیدحسن تقی‌زاده در روزنامه اطلاعات یادداشت موثری در رسایش نوشت^۱ و یک هفته بعد نیز بدین مناسبت تایمز لندن یک یادداشت ترحیم منتشر کرد.

پدر قزوینی از علمای نسبتاً مشهور عصر خود و یکی از چهار نویسنده نامه دانشوران بود که از آثار مهم فارسی در زمینه زندگینامه [دانشوران] است. قزوینی که زاده تهران بود دانش‌آموخته نظام سنتی شرق بود و بیشتر بر اثر مساعی خود آموخت تا تعلیم مرسوم عصر. هنوز دوازده سال نداشت که پدر خود را از دست داد و چندی بعد نیز در یکی از مدارس دینی قدیمی که هزینه‌هایش از اوقاف فراهم می‌شد به زنی طلبگی درآمد؛ اما مانند دیگر طلاب ساعی توانست از محضر بسیاری از اساتید بزرگ زمانه خود بهره‌مند گردد. صرف و نحو، ادب، فقه و کلام، حکمت و اصول فقه و قس علی‌هذا را آموخت که برای هر اهل قلم و فرهنگی از واجبات محسوب می‌شد. در این میان با یکی از نویسندگان مشهور، میرزا محمدحسین ذکاءالملک فروغی آشنا شد که نویسنده‌ای پرکار بود با یک نثر خاص خود که نامطلوب هم نبود.^۲ فروغی عادت داشت که ترجمه‌های دیگران را به سبک خاص خود بازنویسی کند و کتاب *غرائب زمین و عجایب آسمان* (تهران، ۱۳۱۷) او بر ترجمه‌ای از متن عربی کتاب استوار است که قزوینی در بیست و دوسالگی انجام داد. قزوینی در خلال این دوره از مراودات خود با فروغی به دو پسر او عربی آموخت و از آنها فرانسه یاد گرفت (یکی از آنها محمدعلی ذکاءالملک دولتمرد و نویسنده مشهور است).

پنج سال بعد (۱۹۰۴ / ۱۳۲۲ ق) قزوینی برای دیدن مجموعه بزرگ نسخ خطی لندن بدان‌جا سفر کرد. در آغاز قصد داشت که فقط چندماه در اروپا بماند ولی تا سپتامبر ۱۹۳۹ [پاییز ۱۳۱۸ ش] به ایران مراجعت نکرد. در این بین در پاریس مستقر شد و در آنجا با یک بانوی فرانسوی ازدواج کرد و صاحب دختری شد. خانه او به یکی از مراکز اصلی بازدیدکنندگان ایرانی از پاریس بدل شد. در این بین قزوینی نه فقط در کتابخانه ملی [پاریس] که در تمامی کتابخانه‌های مهم لندن و برلین به تحقیق و تتبع پرداخت. با تشنگی سیری‌ناپذیری در جهت کسب علم و دانش، مدام می‌خواند و برای آثار بعدی‌اش یادداشت بر می‌داشت. از دانشمندان بزرگ اروپایی نیز دیدن می‌کرد و نکات علمی را با آنها به بحث می‌گذاشت. در زندگینامه خود از بسیاری از آنها با احترام یاد می‌کند از جمله پروفیسور

در پی درگذشت علامه محمد قزوینی در خرداد ۱۳۲۸ پاره‌ای از دوستان و آشنایان او در رتایش نوشته‌هایی را منتشر کردند^۱، از جمله مجتبی مینوی که بدین مناسبت گفتاری در رادیو بی.بی.سی در لندن ایراد کرد که به نوشته او «... خلاصه‌ای است از مقاله‌ای به انگلیسی که در *مجله السنه شرقیه لندن* نوشته‌م...»^۲ که بعدها، هم در *مجله راهنمای کتاب* منتشر شد^۳ و هم در کتاب نقد حال او.^۴ از آنجا که مقاله موصوف در مقایسه با خلاصه مزبور از تفصیل بیشتری برخوردار است به ترجمه آن اقدام می‌شود؛^۵ چرا که هم بهانه‌ای است جهت یادکرد از میرزا محمدخان قزوینی، پژوهشگر نام‌آور این سرزمین و به همچنین متضمن نکات و آرائی چند که در نوشته پیشین مجتبی مینوی در این زمینه منعکس نیست.

کاوه بیات

۱. برای نمونه بنگرید به: مجموعه علامه قزوینی، از نشریات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ، (بی‌جا، بی‌تا، [۱۳۲۸]، چاپ تابان).
۲. مجتبی مینوی، *نقد حال*، ج ۳، (تهران: خوارزمی، ۱۳۶۷)، ص ۵.
۳. *راهنمای کتاب*، ۱۵ (۱۳۵۱)، صص ۳۴۱ - ۳۳۷.
۴. *نقد حال*، صص ۴۵۶ - ۴۵۰.
۵. به نقل از:

Bulletin of the School of Oriental and African Studies, University of London, Vol 13, No.2 (1950), pp. 547-550.

فوت میرزا محمدخان قزوینی برای علم و تتبع ضایعه بزرگی است و این ضایعه به ویژه در ایران محسوس است که امروزه در آن افرادی بدین پایه از علم و دانش، کم و نادرند. قصد ندارم که در اینجا به جزئیات زندگانی قزوینی به تفصیل بپردازم، چرا که خود او در سال ۱۹۲۴ زندگینامه نسبتاً مفصلی از خود نوشت که در *مجله علوم مالیه و اقتصاد* [ضمیمه ش ۲/۱، ج ۱] تهران منتشر شد. این زندگینامه در مجموعه‌ای از مقالاتش تحت عنوان *بیست مقاله قزوینی* (ج ۱، به اهتمام پورداوود، بمبئی ۱۹۲۸) نیز تجدید چاپ شده است. در سالهای اخیر نیز شرح کوتاهتری در این زمینه نوشت که در ماهنامه *یغما* (مهر ۱۳۲۷ / سپتامبر ۱۹۴۸) منتشر شد. میرزا محمدخان قزوینی که در مارس ۱۸۷۷ / ربیع‌الاول ۱۲۹۴ به دنیا آمده بود در ۲۷

بوان^۳، آقای ای. جی. الس^۴ از موزه بریتانیا، آقای اچ. اف. آمدروز^۵، پروفیسور ای. جی. براون، آقای هارتویگ درنبرگ^۶، آقای باریه دومنار^۷، پروفیسور مارکوارت، پروفیسور زاخائو^۸، دکتر ب. موریتز^۹، پروفیسور هارتمن، پروفیسور ا. مان، پروفیسور میتووخ^{۱۰}، پروفیسور فرانک^{۱۱}، آقای اس. پک^{۱۲}، ام. پ. کازانو^{۱۳}، ام. ل. بلوشه^{۱۴}، ام. س. هوارت^{۱۵} و ام. ج. فاراند^{۱۶} و همیشه از این بابت متأسف بود که هیچ‌گاه توفیق دیدار دانشمندترین آنها، پروفیسور نولدکه را نیافت.



قول داده بود که در اسرع وقت به دیگر پرسشها نیز پاسخ خواهد داد. سال ۱۹۲۶ بود. پیش‌نویس این پاسخ به تدریج به پرونده‌ای حجیم تبدیل شد که به گمانم تا آخرین روزهای زندگی‌اش نیز کماکان بر اوراق آن می‌افزود؛ و هر از گاه در نامه‌هایی به من و دیگر دوستان ایرانی، به این «پاسخها» به پرسشهایم ارجاع می‌داد. ولی هیچ‌گاه نسخه‌ای نهایی از این پاسخها فراهم نشد و این پیش‌نویس هنوز هم در میان اوراق اوست و در انتظار تکمیل. گشاده دستی وی در یاری به دیگران از گنجینه دانش بی‌حدش، مرزی

نداشت و هیچ نکته‌ای را - هر چند خرد - از نظر دور نمی‌داشت. حیطه گسترده دانش او (چرا که بسیار خوانده بود و انبوهی از یادداشتهای متنوع را نیز در زمینه‌های مختلف گردآورده بود) بسیاری از پژوهشگران اروپایی و شرقی را - از پیر و جوان - بر آن می‌داشت که در مقام استعانت از وی بر آیند و پاسخ خود را نیز از هیچ کس دریغ نمی‌داشت. پروفیسور مینورسکی در یادداشت تقدیمی‌ای که در آغاز *حدود العالم* خطاب به «دانشمند بزرگ ایرانی» نوشته است، یادآور بهره‌ فراوانی است که از قزوینی گرفته و کم نبود تعداد دیگر کسانی که آنها نیز از خرمن معرفت او خوشه‌ها چیدند. وی در طول ده سال پایانی زندگانی‌اش در کنار نگارش و تصحیح، اوقات فراوانی را نیز صرف آن کرد که جمعی از پژوهشگران جوان و مستعد را با شیوه تحقیق که خود استاد کامل آن بود، آشنا سازد و نوشته‌هایش برای هموطنان او آموزنده بود.

بررسی آثاری که به تصحیح او رسیده خود از آن حکایت دارد که وی بیشتر از آنکه متوجه کاستیهای سبک تحریر و انشای کار باشد به بی‌دقتی‌های نهفته در داده‌ها توجه می‌کرد. از این رو در پژوهشهایش بیشتر به محتوای کار می‌پرداخت تا صورت آن. او در مقایسه‌ای که میان *نفثة المصدور* فارسی و *سیرت جلال‌الدین مینگبرنی* عربی به عمل آورد به رخدادهای مشابهی که به شرح حال راوی داستان مربوط می‌شد پی برد و بر همین اساس نیز به درستی بدین نتیجه رسید که هر دو، نوشته یک شخص واحدند. ولی در این میان تشابهات موجود میان آن دو متن از لحاظ سبک تحریر و انشای کار از نظر او دور ماند، حال آنکه این نیز می‌توانست مؤید نتیجه‌گیری پیش‌گفته‌او باشد. به همین ترتیب در [تصحیح *جهانگشای* جوینی] تا جایی که صحت و درستی رخدادهای - به استثنای مواردی نادر - قابل تأیید بود، مقصود را حاصل می‌دانست و به سبک تحریر و انشای فارسی آن نمی‌پرداخت.

او در حواشی مفصلش بر *چهارمقاله* عروضی سمرقندی در مورد سبک تحریر و انشای آن سخنی به میان نیاورده، حال آنکه با بررسی و نقد بسیاری از داده‌های کار، به اثبات این نکته توفیق می‌یابد که *چهار مقاله* را مأخذ تاریخی موثقی نمی‌توان به شمار

قزوینی برای برخی از دیگر شرق‌شناسان اروپایی احترام کمتری داشت؛ از این متأسف بود که جمعی با حداقلی از آشنایی به فارسی و عربی که آن را دانش عملی از این زبان تلقی می‌کردند با چنان جسارت و قاطعیتی در این زمینه سخن می‌راندند که مؤید درستی این ضرب‌المثل است که «در مملکت کوران آدم یک چشم پادشاه است» (بنگرید به *بیست مقاله*، ج ۱، صص ۲۰-۱۸).

روز آشنایی قزوینی با پروفیسور ادوارد براون، برای اعتلای علم و دانش روز میمون و مبارکی بود. این شرق‌شناس بزرگ و دوستدار ایران در اندک زمانی به وسعت معلومات قزوینی پی برد و تربیتی داد که به تصحیح و تحشیه پاره‌ای از متون فارسی پردازد. هنگامی که قزوینی ایران را ترک کرد پژوهشگری جوان و ناشناس بود و شهرتش را در داخل و خارج مدیون کارهایی بود که در اروپا به توصیه پروفیسور براون در پیش گرفت.

مرگ نابهنگام براون برای قزوینی ضربه‌ای بزرگ بود و مدتی طول کشید تا بتواند کارهایی را که با همکاری او آغاز کرده بود، از نو ادامه دهد. شرح وی از زندگی براون که در *مجله ایران‌شهر* (س ۴ [۱۳۰۵]) منتشر شد بسیار مؤثر است. این دو عالم احترام و علاقه بسیاری به یکدیگر داشتند و فهرست آثار قزوینی خود گویای مواهب این همراهی است.

در کنار آثار منتشر شده و رسمی قزوینی به تعداد بی‌شماری نامه فارسی و فرانسه می‌توان اشاره کرد که برای مخاطبانی در اقصی نقاط جهان ارسال داشت که اگر منتشر شوند بر چند مجلد قطور مشتمل خواهند بود و تقریباً هر سطر آن ارزشمند است. او در این نامه‌ها نسبت به ساختار جملاتش وسواس چندانی نشان نمی‌داد (و متأسفانه از این بی‌دقتی در آثار منتشر شده اخیر او نیز نشانه‌هایی ملاحظه می‌شود)؛ ولی با این حال تلاش او برای تشریح دقیق مضامین مورد بحث در این مکاتبات بی‌نظیر بود، اگرچه گاهی مواقع جنبه وسواس می‌یافت. به خاطر دارم که روزی برای او نامه‌ای نوشتم که در آن مجموعه‌ای از پرسشهای گوناگون را طرح کردم؛ از نحوه نگارش و وجه اشتقاق کلمات گرفته تا علم رجال و تاریخ. فوراً پاسخی دریافت کردم که در کنار رسیدگی به پاره‌ای از پرسشهایم،

۲. پروفیسور استواری در کتاب ادبیات فارسی خود به او اشاره دارد (Persian Literature, Section II, p. 240) ولی نام پدر او به جای محمدمهدی، محمدعلی آمده و پاره‌ای از آثار پسرش نیز به اشتباه به او نسبت داده شده است، و به همچنین دیوان میرزا عباس فروغی بسطامی (که همراه با دیوان قآئی منتشر شده است).

3. Bevan
4. A. G. Ellis
5. H. F. Amedroz
6. M. Hartwig Derenbourg
7. M. Barbier de Meynard
8. Sachau
9. B. Moritz
10. Mitwoch
11. Frank
12. S. Beck
13. M.P. Casanova
14. M. E. Blochet
15. M.C. Huart
16. M.G. Farand

آورد. ولی در این میان آنچه ناگفته می‌ماند و خواننده صاحب نظر خود باید بدان پی ببرد، آن است که در عین احتراز از نقل مندرجات چهارمقاله درمقام یک مأخذ تاریخی، می‌توان از آن در مقام یک ترکیب ادبی صرف، حظی وافر برد.

قزوینی ثروتی نداشت و در اروپا تا پیش از سال ۱۹۲۱ که دولت ایران مقرر می‌نمود که برای دوره اقامت وی در آن سامان معین کرد، جز دریافت گاه به گاه وجوهی جهت آثار پژوهشی، در آمد دیگری نداشت. هنگامی که در ۱۳۱۸ / ۱۹۳۹ به ایران بازگشت - چرا که خود را فرسوده‌تر از آن می‌دانست که از عهده تحمل مشقات یک جنگ جهانی دیگر بر آید و میل نداشت که خانواده خود را نیز بی‌جهت درگیر این سختی‌ها سازد - برای تدریس در دانشگاه تهران، حقوقی دریافت کرد و چندی بعد نیز مجلس [شورای ملی] ۱۰۰۰۰ ریال (تقریباً ۸۰ لیره انگلیس) برایش حقوق ماهانه مادام العمر تصویب کرد. مرگ او برای تمام کسانی که در داخل یا خارج با او یا آثارش آشنا بودند، موجب تأسف خواهد بود.

۱. [بنگرید به: علامه قزوینی، صص ۸۷ - ۸۵].



همارا

نرم افزار جامع مدیریت کتابخانه‌ها

MDI - MULTITREADING - C# .NET

ساده - قدرتمند - حرفه ای

۳ سال ضمانت - یک سال پشتیبانی رایگان - خدمات پس از فروش دائم

همارابه بانندگی کتابخانه‌ها می‌اندیشد

نشانی: شیراز - فلکه گاز - روبروی دبستان ۱۷ شهرپور - ساختمان ملیکا - طبقه اول -

تلفن و نمابر: ۲۲۸۷۶۹۳ - ۲۲۸۳۹۷۳ - ۰۷۱۱

WWW.hamaralib.ir
info@hamaralib.ir

چاپار

پیشرو در ارائه خدمات کتابداری و اطلاع رسانی

- فروش تجهیزات کتابخانه‌ای (لوازم چوبی، کاغذی و فلزی) با کیفیت مطلوب و استاندارد
- تهیه منابع اطلاعاتی (کتاب، نشریه، نرم افزارهای کتابخانه‌ای) داخلی و خارجی
- ارائه خدمات فهرست نویسی، نمایه‌سازی، چکیده نویسی و آماده سازی منابع اطلاعاتی
- طراحی و راه اندازی کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع رسانی



آدرس: تهران - خیابان ولیعصر (عج) - بلافاصله از میدان ولیعصر (عج) بعد از تقاطع خیابان زرتشت کوچه شهید نوربخش - پلاک ۴۰ تلفن: ۸۸۸۹۹۶۸۰ دوتار: ۸۸۹۰۳۷۶۸

www.chaparlib.com